در زمینه آثار باستانی و تاریخی مازندران و گلستان

جمشید قائمی *

چکیده: دربارهٔ آثار باستانی و تاریخی دو استان «مازندران» و «گلستان» اگر چه بررسی‌هایی انجام شده است و پژوهشگران چندی از خارج و داخل به کیفیّت احوال باستانی و تاریخی به جا مانده در آن پرداخته‌اند و اگرچه با توجّه به یافته‌های باستان‌شناختی، قدمت و پیشینهٔ این مناطق یا برخی از این مناطق به پنج شش هزار سال پیش از میلاد می‌رسد و ردّ پای انسان آن دوره و ابزار و متعلّقات آن، به وفور در برخی جاهای آن کشف گردید. امّا امّا کاوش‌های قابل توجّهی دربارهٔ آثار باستانی و تاریخی این مناطق انجام شده است که آگاهی‌های ما را دربارهٔ مراکز فرهنگی و تمدّنی این دیار کامل‌تر می‌کند. به طور قطع ارزش تاریخی و باستانی این دو منطقهٔ مجاور هم، بسیار والاست؛ یکی به لحاظ تاریخی، فرهنگی و مطالعاتی به عنوان اینکه به مثابهٔ اسناد و شناسنامهٔ این سرزمین هستند و یکی هم به جهت ارزش هنری این آثار و بیهوده نیست که این آثار را که دنیایی از تصوّرات، تفکّرات و تجارب پیشینیان را با خود دارند و به قولی، دنیایی از واقعیّات گذشته است، میراث‌های ملّی و تاریخی می‌نامیم.

کلیدواژه: مازندران، گرگان، آثار تاریخی.

آثار تاریخی هر ملّتی نمایانگر دیرینگی تاریخ آن ملّت است و شناخت تاریخ هر جامعه بدون بررسی و مطالعهٔ آن آثار ممکن نیست. بشر همیشه نسبت به پیشینیان خود و

---

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.

آثار به جا مانده از آنها دلبستگی داشته و کنجکاوی نشان داده و پیوسته کوشیده در هر زمان و مکان به تناسب رشد تمدّن و فرهنگ و اهداف اقوام، نسبت به آنها شناخت پیدا کند. این کنجکاوی افسانه‌ها و اسطوره‌ها را به وجود آورده که بعدها با شناخت بیشتر واقعیّات، مکتوب شد و علم تاریخ حاصل گردید. در واقع ردّپای تمدّن و فرهنگ ملل را باید در آثار تاریخی جستجو کرد، آثاری که روشنگر زوایای تاریک تاریخ نسل‌های گذشته است و این خود می‌رساند که علم باستان‌شناسی در حقیقت ابزار علم تاریخ است. باستان‌شناس با کشف اشیای تاریخ، کمک به روشن شدن زوایای تاریخ می‌کند و بسیاری از مسائل اجتماعی، هنری، سیاسی، فرهنگی و مذهبی با کشفیّات او دانسته می‌شود.

در سرزمین تاریخی گرگان (= گلستان امروزی) و مازندران، آثار تاریخی گران‌قدری وجود دارد که شاید هنوز دربارهٔ بسیاری از آنها پژوهشی نشده است. آثاری که حتّی شهرت جهانی دارند. «تورنگ تپّه» گرگان که تاریخ چند هزار سالهٔ گرگان را با خود همراه دارد، از خیلی پیش‌تر مورد توجّه باستان‌شناسان امریکایی و اروپایی بود. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی / ۱۹۳۱ م. هیئت حفاری دانشگاه پنسیلوانیا به سرپرستی «داوید استروناخ»، در «یاریم تپّه»، در قسمت شرقی گرگان، تحقیقاتی به عمل آورد. «ژان دهه» دانشمند فرانسوی نیز از ۱۳۳۹ خورشیدی / ۱۹۶۰ میلادی به بعد، در تورنگ تپّه، مشغول کاوش‌های باستان‌شناسی شد و تا به حال چندین جلد کتاب راجع به این کاوش‌ها منتشر نموده که هنوز به فارسی ترجمه نشده است.[1]

میل گنبد در گنبدکاوس، با ارتفاع بیش از ۶۰ متر، به عنوان بلندترین بنای آجری جهان در آثار فهرست ملّی یونسکو ثبت شده است، یا جام زرّین کلاردشت که از مهمترین اشیای مکشوفهٔ مازندران محسوب می‌شود و یا اشیای یافت شده در غارهای کمربند و هوتو در بهشهر که بیانگر سکونتگاه انسان عصر سنگ در این منطقه است.

از میان تحقیقات انجام شده، کوشش‌های استاد دکتر منوچهر ستوده، ستودنی است

۱. بهنام، عیسی: ش ۱۱۹ و ۱۲۰، ص ۲-۴.

که در کتب «*از آستارا تا استارباد*» خود به معرّفی و شناسایی آثار دو استان علاوه بر گیلان پرداخته‌اند. امّا آنچه به‌کشفیّات و تحقیقات جامع‌تری در زمینهٔ برخی تپّه‌ها و غارهای تاریخی و سکونتگاه‌های انسان قدیم در این مناطق و آنچه از آنها باقی مانده است، کمک کرد، کوشش های باستان شناسان خارجی و داخلی بود که از عصر قاجار تا کنون کمابیش مورد بررسی قرارگرفت و حاصل تلاش این محقّقان بود که سابقهٔ این سرزمین را از اعصار کهن به ما نمایاند.

برای اینکه با پیشینهٔ این خاک (گلستان و مازندران) کمی آشنا شویم، نگاهی گذرا به دستاوردهای باستان‌شناسی در برخی از این مناطق، ضروری به نظر می‌رسد.

نخستین بار در پایان قرن ۱۹ م / ۱۳ ق ژاک. دمرگان Demorgan هنگام سفر به منطقهٔ بهشهر، تپّه‌های این نواحی را از بقایای شهر و دهات ماقبل تاریخ حدس زد. بعدها، کاوش‌های باستان‌شناسی، این حدسیّات را تأیید کرد. در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱م / ۱۳۲۸ و ۱۳۳۰ش کارلتون س. کون Carlton. S. Coon استاد باستان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا، غارهای التپّه، ختو (هوتو)، کمربند و کلره (Kallareh) بهشهر را مورد بازدید قرار داد[1] که البتّه تتبّعات او در غارهای «کمربند» و «هوتو» دقیق‌تر و مفصّل‌تر بود، او در سال ۱۹۴۹م / ۱۳۲۸ ش در غار «کمربند» شش طبقه تشخیص داد که بر روی هم قرار داشت، این طبقات از نظر تاریخی میان دوران‌های میانه سنگی (مزولیتیک Mesolithiquo) و نوسنگی (نئولیتیک Neolithiquo) واقع شده بود. با آزمایش‌های به عمل آمده از اشیای غار هوتو، نشان داده شد که طبقات نوسنگی (نئولیتیک) غار «هوتو» متعلّق به حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد بوده است. «کارلتون» به این نتیجه رسید که در دوران میانه، ساکنان غار «کمربند» زندگی خود را با شکار و به خصوص شکار آهو، بز کوهی و گوسفند می‌گذرانیده‌اند و در دوران نوسنگی، همّ خود را مصروف اهلی کردن این حیوانات می‌کرده‌اند. گذشته از این که به زراعت نیز می‌پرداخته و بافتنی و کوزه‌گری را هم شناخته بودند.[2]

---

۱. عسکری، علی‌بابا: ص ۱۰۸.　۲. همان، صص ۱۰۸-۱۰۹؛ صمدی، حبیب‌الله: ش ۶ و ۷، صص ۶۸-۷۱.

آثار پیدا شده در این دو غار مکمّل یکدیگرند و می‌توان وجود انسان را از دوران یخبندان تا عصر حاضر مشخّص کرد[۱] و اشیای مکشوفه از غار «کلرهٔ» بهشهر هم شامل مجموعه هم دورهٔ تمدّنی غار «کمربند» و «تورنگ تپّه» استرآباد است که مربوط به عصر نوسنگی است. تورنگ تپّهٔ استرآباد شاید یکی از معدود تپّه‌های تاریخی ایران است که شهرت جهانی دارد و بسیاری از موزه‌های جهان، مزیّن به ابزار و ادوات آن است. نخستین بار در سال ۱۸۴۱م / ۱۲۵۷ق در زمان محمّد شاه قاجار، هیأتی در آنجا دست به حفّاری زد و اشیای طلایی، نقره‌ای، مفرغی و برنجی در اشکال: آبخوری طلا، جام دایره شکل طلا، ابزاری از سنگ زرد، ظروف سنگی، سلاح‌های جنگی، تبر و دشنهٔ مسی به دست آورد که گزارش کامل آن را در مجلّهٔ باستان‌شناسی Archaelia لندن در سال ۱۸۴۲م / ۱۲۶۰ق چاپ کرد.[۲] آنان استدلال کردند که تمدّن «تورنگ تپّه» به قدمت شهر سوخته سیستان، تپّه یحیی و آلتین تپّه است و همگی را جزء گنجینه و غنای فرهنگی نیمهٔ شرقی ایران دانسته‌اند. به علاوه معتقد بودند این تمدّن در همان وقت دارای روستاهای پرجمعیّت و رشد یافته، با سیستم آبیاری کشاورزی بود و صنعت سفال‌سازی و فلزّکاری در بین آنها رایج بوده است. بسیاری از این گنجینه‌های مکشوفه به شاه وقت هدیه شد.

برخی معتقدند بین تمدّن سومر و ایلام با «تورنگ تپّه» ارتباطاتی بوده و برخی دیگر بر این باورند که ایلامی‌ها و سومری‌ها از این ناحیّه به خوزستان و جنوب بین‌النهرین رفته‌اند. شماری نیز از شباهت آثار به دست آمادهٔ تورنگ تپّه با گنج تپّهٔ «خوروین» قزوین یاد کرده‌اند.[۳] در حفاری‌های سال ۱۳۱۰ش / ۱۹۳۱م که زیر نظر وولسین و هیاتی از دانشگاه کانزاس سیتی پنسیلوانیا انجام شده بود، سه طبقهٔ متمایز تشخیص داده شده است.[۴]

کاوش‌های دانشمندان نشان می‌دهد که از هزارهٔ پنجم پیش از میلاد، در قسمت

---

۱. عسکری، علی‌بابا: ص ۱۱۰.
۲. گزارشی از تپّه‌های باستانی استان‌های گلستان و مازندران، ص ۱۱.
۳. همان، همان‌جا.
۴. واندنبرگ، لوبی: ص ۸.

شرقی سواحل دریای خزر تمدّن پیشرفته‌ای وجود داشته که تا حوالی دامغان را تحت تأثیر خود قرار داده بود. آنچه پیداست این مردم با ساکنان نواحی جنوب شرقی ایران و مغرب هندوستان روابط بسیار نزدیک داشته‌اند.[۱]

همچنین در حدود اواسط هزارهٔ دوم پیش از میلاد آثار این مردم از بین رفت و دیگر نشانه‌ای از آنان در قبرها و یا در ساختمان‌های محقَّر این نواحی دیده نشده و این مقارن با زمانی است که اقوام ماد و پارس وارد این سرزمین شده‌اند.[۲]

در ادامهٔ بررسی آثار و نشانه‌ها، از برج قابوس گنبدکاووس نباید غافل بود که با قدمتی هزار ساله و به‌عنوان بلندترین بنای آجری جهان، همچنان بر تارک بناهای تاریخی می‌درخشید.

گنبدکاووس بر بالای تپّه‌ای است که قسمت عمدهٔ آن خاک دستی است. گفته‌اند جسد قابوس وشمگیر را در تابوتی از شیشه نهاده و با زنجیر در میان آن گنبد آویخته‌اند.[۳]

از دیگر مناطق باستانی و تاریخی منطقه، خرابه‌های اثر جرجان است که در حال حاضر فقط در حدود ۱۵۰ هکتار از شهر قدیم باقی مانده و بقیه به زمین‌های کشاورزی تبدیل گردیده است. گرگان رود، خرابه‌های شهر را به دو قسمت ۶۰ و ۹۰ هکتاری تقسیم کرد و طبق نوشتهٔ مورّخین، در روزگار آبادانی به نام‌های دهستان و بکرآباد شهرت داشته که به‌ترتیب، محلّ سکونت شیعه و سنّی بوده است.[۴]

چگینی می‌نویسد در حدود ۲۵۰ هکتار آن در دو سوی رودخانه باقی است و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ تنها ۱۲ هکتار آن مورد حفّاری قرار گرفت.[۵]

کاوش‌های باستان‌شناسی در جرجان، نخستین بار در سال ۱۳۵۰ آغاز گردید و سپس در پاییز ۱۳۵۲ و بهار ۱۳۵۳ ادامه پیدا کرد. در سال ۱۳۵۰، ۳۰ گمانهٔ آزمایشی در نقاط مختلف زده شده که غیر از دو گمانه از بقیهٔ گمانه‌ها، آثاری به‌دست آمد. در کاوش‌های جرجان، خیابانی به‌دست آمد که با آجر مفروش بود. مسیر خیابان از شمال

---

۱. بهنام، عیسی: ص ۴؛ واندنبرگ، لویی: ص ۹.
۲. بهنام، عیسی: ص ۴؛ واندنبرگ، لویی: ص ۴.
۳. آندره گدار: س ۴، ش ۱، صص ۵۲-۵۱.
۴. کیانی، محمّد یوسف: ج ۳، ص ۱۱۷.
۵. نوروززاده چگینی، ناصر: ص ۷۸.

به‌گرگان رود؟ را از جنوب، پس از گذشتن از قبرستان کنونی امامزاده یحیی بن زید، به سمت زمین‌های کشاورزی ختم می‌گردد. این خیابان در دوره‌های مختلف احداث شده است و دوره اوّل آن متعلّق به قرون سوم و چهارم هجری است[۱] و تپّه‌های نسبتاً مرتفعی که در خرابه‌های گرگان قدیم وجود داشته، با کاوش‌های غیر مجاز از بین رفته است.

در کاوش‌های جرجان، اشیای مختلفی به دست آمد که شامل: ظروف سفالین لعابدار و بی‌لعاب، شیشهٔ پیه‌سوز، مجسّمه‌های گلی و سکّه است که همگی نمایانگر ذوق و هنر سازندگان این منطقهٔ باستانی در دوره‌های مختلف اسلامی است. یک بررسی مختصر نشان می‌دهد که جرجان از صدر اسلام تا دورهٔ مغولان با کشورهایی همچون: چین، مصر، عراق و سوریه از یک طرف و شهرهای داخل ایران از طرف دیگر رابطهٔ هنری داشته است[۲] و اوج شکوفایی این شهر در قرون ۵ و ۶ هجری بوده است.[۳]

آنچه مشخّصهٔ هنری منطقهٔ گرگان بود، هنر سفال‌سازی آن است که این ناحیّه را به سه دوره تقسیم کرد:

۱ـ اوایل اسلام تا اواخر سامانیان؛

۲ـ دورهٔ سلجوقیان؛

۳ـ دورهٔ خوارزمشاهیان تا دورهٔ ایلخانی.

در این سه دوره که تقریباً ۷۰۰ سال طول کشیده، انواع ظروف از قبیل: ظروف بی‌لعاب، لعابدار یکرنگ، لعابدار چند رنگ با نقش کنده، نقّاشی شده در زیر لعاب، نقّاشی شده در روی لعاب با لعاب پاشیده، تزئین شده با خطوط کوفی و ظروف طلایی معمول بوده است.[۴]

و بالاخره باید از مجموعهٔ فرح‌آباد ساری یاد کرد که در ۲۸ کیلومتری شمال ساری واقع شده و یادگار معماری عصر صفوی است. مجموعهٔ فرح‌آباد که همان گسترش یافتهٔ

---

۱. نوروززاده چگینی، ناصر: همان‌جا.

۲. کیانی، محمّد یوسف: ص ۱۲۲.

۳. نوروززاده چگینی، ناصر: همان‌جا.

۴. کیانی، محمّد یوسف: صص ۱۲۲-۱۲۳.

روستای طاهان است، در زمان شاه عبّاس اوّل (۱۰۳۸-۹۹۶ق) بندری آباد و پر رونق و مرکز معاملات تجاری بود.

در فرح‌آباد، شاه عبّاس، دست به احداث کاخ سلطنتی، مساجد، مدارس، بازار، حمام، پل و باغ زد. این بناها در ۱۰۲۱ق ساخته شد و هم اکنون تنها خرابه‌های مسجدی از آن باقی مانده است که از سال ۱۳۴۱ کار مرمّت و بازسازی آن توسّط دفتر فنّی سازمان حفاظت آثار باستانی آغاز شده است.[1]

از کتبی که اختصاصاً به آثار باستانی این مناطق پرداخته‌اند می‌توان از موارد زیر نام برد:

۱ـ *سیمای میراث فرهنگی مازندران*: وفایی، چاپ میراث فرهنگی.

۲ـ *راهنمای آثار باستانی گرگان و دشت*: ادارهٔ فرهنگ و هنر گرگان.

۳ـ *یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران*: حجازی کناری.

۴ـ *آق تپه گرگان*: ملک شهمیرزادی. چاپ میراث فرهنگی.

۵ـ *سقا تالارهای مازندران*: چاپ میراث فرهنگی.

۶ـ *معرّفی دو اثر تاریخی استان مازندران*: (میل گنبد کاووس و مشهد میر بزرگ آمل) نورایی کوتنایی. چاپ سازمان برنامه و بودجه.

۷ـ *فرهنگ آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان‌شناسی*: فهیمی.

۸ـ *از آستارا تا استارباد*: ج ۵ (آثار تاریخی گرگان و دشت) ستوده.

۹ـ *از آستارا تا استارباد*: ج ۳ و ۴ (آثار تاریخی مازندران) ستوده.

از گزارشات باستان‌شناسی هم می‌توان به‌گزارش‌های ذیل اشاره کرد:

۱ـ گزارش مقدّماتی دهمین فصل کاوش «تورنگ تپّه»، ۱۳۵۳.

۲ـ گزارش مقدّماتی یازدهمین فصل کاوش «تورنگ تپّه»، ۱۳۵۴.

۳ـ دومین گزارش مقدّماتی بررسی‌های دشت گرگان، ۱۳۵۴، کیانی.

---

۱. *جهانگردی در مازندران*: ص ۱۲۶.

۴ـ گزارش مقدّماتی کاوش‌های جرجان، کیانی.
۵ـ گزارش‌های باستان‌شناسی «گنجینه کلاردشت»، صمدی.

مقالات مجلّات و نشریّات هم‌به غیر از آنچه که در مجلّات و نشریّات مختلف آمده و مشخّصات و صفحاتی که مربوط‌به آثار تاریخی و باستانی این مناطق بوده، برخی صرفاً تخصّصی و دربارهٔ یک اثر خاص باستانی و تاریخی مناطق است که برای نمونه می‌توان از مقالات تخصّصی زیر یاد کرد:

سفال‌های گرگان، افشار / برج معروف رادکان هزار ساله شد، میراث فرهنگی / سنگ‌نبشته‌های مسجد جامع گرگان، احیایی / کاسه سفالین زرّین فام، بهرامی / سفالگری در گرگان، بهنام / ظروف گلی لعابدار گرگان، بهنام / گرگان مهد تمدّن‌های کهن (هزارهٔ پنجم پیش از میلاد)، بهنام / میل قابوس شکوه هنر، نگاهی‌به نماها، حاتم / دیوار دفاعی گرگان، حصار نوی / وقف نامه مدرسه دارالشّفا استرآباد، دانش‌پژوه / قلعه موران، ستوده / تاریخچه‌ای از دیوار دفاعی دشت گرگان، شیرمحمدی / حمله مغول و دفاین گرگان، صمدی / گنجینه‌های تاریخی مازندران، طاهری شهاب / ظروف سفالی گرگان، علایی / برج رادکان، قائمی / قزاق، کاروانسرای کوهستانی گرگان، عمرانی رکاوندی / کشف یک آب انبار مربوط‌به دوران صفوی در گرگان / کمک‌به بازسازی اماکن تاریخی در مازندران / دیوار دفاعی گرگان، کیانی / گرگان و گنبد کاوس، گدار / کشف کانال‌های هزار ساله فاضلاب در شهر سفال‌های زرّین‌فام {جرجان قدیم} / گنجینه‌های طلای ماقبل تاریخ در گرگان / یافته‌های باستان‌شناسی در هیرکانی و دهستان از عصر آهن تا دوره تیموری، لوکنت و مشکور / تورنگ تپّه، مداح / مسجد جامع گرگان، مداح / میل رادکان، مداح / جرجان، گنبد قابوس، مشکوتی / بی‌بی حلیمه، نجاتی / آثار تاریخی و ابنیه شهسوار {تنکابن} / شناسایی یک امامزاده. سیّد رضا کتتی / بهشهر، اسدی / قلعه نور، اعتمادالسّلطنه / سکّه‌های تبرستان {ماهانه سر} بریمانی / تپّه‌های تاریخی اطراف نور / فیل سنگی لاویج، بینایی / قلعه بلده، بینایی / تاریخ در سکّه‌های اسپهبدان تبرستانی، تاریخچه مختصر برج‌های لاجیم و رسکت و متن کتیبه‌های آن / بشقاب منحصربه فرد مکشوفه در ساری، حاکمی / خنجر طلا از سه

هزار سال پیش و دو جام زرّین مکشوفه کلاردشت، حاکمی / آب انبارهای شهر ساری، داداشی / آستانه‌های مازندران، دانش‌پژوه / میل لاجیم هزار ساله شد، رستمی / انسان قدیم غار هوتو، صمدی / گزارش مقدّماتی صنایع دستی غار کمیشان / مجموعه رسوبات چاله حفاری غیر مجاز، شید رنگ / سه ظرف تاریخی مکشوفه در روستای کتیم مازندران، طاهری شهاب / قلعه استوناوند، غلامرضا رضایی / معرّفی بناهای صفوی در بهشهر، عظیمی / دو بنای تاریخی حاشیه خزر: امامزاده صالح و کاخ صفی‌آباد، کیانی / برج‌های لاجیم و رسکت، گدار / تزئینات آثار چوبی تیموری در سال، ماهفروزی / سکّه‌های مازندران، اسمر، ترجمهٔ پورمحمّدی / دژ مارکوه در عهد اسماعلیلیان و حمله مغول‌ها، واعظی تنکابنی / دژهایی با سابقه آتشکده در تنکابن، یوسفی‌نیا /...

در بررسی منابع گاهی مواردی مشاهده شده که نام اثر در چند مکان آمده است مانند: امامزاده چهارکوه در کتاب «فرهنگ جغرافیایی کشور، ج ۲۹» در سه روستای «سرکلاته خرابه شهر»، سالی کنده و ولاغوز از شهرستان کردکوی یاد شده است یا امامزاده «دختر امام در منطقه بهشهر که هم برای روستای «پاسند» ذکر شد و هم برای روستای «المراسک».

از زیارت‌گاه‌های موجود در منطقه، شماری نام زنانه دارندبه اسامی: امامزاده سارا خاتون در روستای کلیک نوشهر، زیارتگاه آمنه خاتون در روستای ونوش نوشهر، زیارتگاه سکینه خاتون در روستای قلعه قافه در مینودشت، بقعهٔ بی‌بی سکینه در بابلسر، قبر کبراخاتون در حومهٔ ساری، بقعهٔ دختر پاک در آلاشت، امامزاده دختر امام روستای پاسند یالمراسک بهشهر، امامزاده خیرالنسا در روستای کهرود بالای بابل، امامزاده چهل دختران در روستای نچ‌نور، امامزاده بی‌بی زینب در بهشهر، امامزاده خدیجه در نوده ملک، زیارتگاه بی‌بی نور و بی‌بی هور در گرگان.

البتّه باید یادآور شد که در خصوص فلسفه وجودی این گونه امامزادگان، نظریّاتی دال بر انتساب آنان به قبل از اسلام و به ویژه اندیشهٔ ایزد بانوی آبها، باروری و حاصل‌خیزی یعنی «آناهیتا» وجود دارد با این توضیح که اغلب برای این گونه امامزادگان، شجره‌نامه یا

نسب نامه‌ای وجود نداشته وبه ویژه،به واسطه نظام پدرشاهی حاکم بر جامعه و تاریخ، برای بانوان، شجره‌نامه‌ای وجود ندارد. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاید میان امام‌زادگان و معابد «آناهیتا» وجوه اشتراک زیادی وجود داشته باشد.[1]

در برخی از مناطق زیارتگاه‌هایی دیده می‌شود که با توجّه‌به نام آنها چنین‌به نظر می‌رسد آن مکان مدفن چندین نفر است مانند: امام‌زاده نه تن در کوی میرکریم گرگان، امام‌زاده هفتاد تن در روستای شومیا در آمل، امام‌زاده چهل تن در روستای آستان کرود نوشهر، امام‌زاده سه تن در آمل، امام‌زاده هجده تن در روستای رزک نور، امام‌زاده پنج تن لار، دو قبران (منصوب‌به دو نوه علی ابن ابیطالب) در کتول، بنایی منسوب‌به چهل دختر در آمل، مرقد امام‌زاده ابراهیم و هفتاد و دو تن از یارانش در آمل، رضی و مرضیه در درازنوی بالا جادّه در شهرستان کردکوی.

از برخی زیارتگاه‌ها با عنوان مدفن یا محلّ عبور بعضی پیامبران یاد می‌شود مانند: مقبره دانیال نبی در کلارستاق، زیارتگاه صالح پیامبر و زکریای پیامبر در آق‌قلا، بقعهٔ ایوب پیامبر در تنکابن، قدم‌گاه خضر در گرگان، قدم‌گاه خضر در آمل و در یوش نور که دختران دم‌بخت برای شوهریابی‌به آنجا می‌روند و مراد می‌طلبند.[2]

برخی امام‌زادگان نام درخت دارند مانند: امام‌زاده سید انجیلی در روستای پول نوشهر و امام‌زاده اوجا در حومه ساری و یکی هم نام زن و مرد را باهم دارد مانند: امام‌زاده زینب رضا در روستای الیت نوشهر.

با توجّه‌به نوشتهٔ «یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران» برخی مساجد قدیمی نیز در ابتدا آتشکده بود[3] و با رواج دین اسلام در این مناطق، برخی آتشکده‌هابه مساجد تبدیل شدند.

بر اساس نوشته «بهر نصاب» مساله امام‌زاده‌های متعدّد شمال ایران، بی‌ارتباط با حکومت صفویه نیست. آنان بنابه نوشتهٔ پژوهشگران از کُردها بوده‌اند. ابتدا خود را از

۱. باستانی پاریزی، محمّدابراهیم: صص ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۴.
۲. همان، ص ۳۳۳.
۳. حجازی کناری، سیّد حسن: ص ۶۲.

سادات به شمار آورده و سپس برای این که به نیروی سیادت خود بیفزایند، بقعه‌ها، آستانه‌ها و تربت‌های متعدد در این مناطق ساختند که بی‌شک برای برقراری و پایداری آنها، برای متولّیان این مکان‌ها، جیره نقدی و جنسی می‌فرستادند و بی‌دلیل نیست که تاریخ صندوق‌ها، و درهای مزار پیران، مرشدان و اقطاب درویشان و نقبا که ماموران تبلیغاتی دستگاه صفویه بوده‌اند، پس از سال نهصد هجری است و کمتر دیده شده که تاریخ آنها پیش از نهصد هجری باشد.[۱] بنابه نوشتهٔ «آستانه‌های مازندران» در این دوره هشتاد و سه هزار تکیه وجود داشته که متولی و مستمری نقدی و جنسی آنها از دربار تأمین می‌شده است.

ناگفته نماند این احتمال نیز هست که ممکن است برخی از زیارتگاه‌ها، مدفن شخصیّت‌های دینی، سیاسی و یا اجتماعی بوده باشد که چون تسلّط و نفوذشان بر جامعه تداوم داشته، مورد توجّه قرار گرفته‌اند. بسیاری دیگر مبارزینی بودند که از ستم خلفای عبّاسی یا حاکمان ستم‌پیشه دیگر گریخته و مناطق کوهستانی شمال و حتّی نقاط دیگر ایران را پناهگاه امنی برای خود قرار داده‌اند. روشن است که برخی اینان به مرگ طبیعی مردند و برخی گرفتار تیغ عاملان جور قرار گرفته و جان باختند و یادشان در قلوب مردمی که همیشه می‌کوشیدند تنفر و بیزاری خود را از حاکمان ستمگر اعلام کنند، باقی ماند و با گرد آمدن در مزارشان اذهان آیندگان رابه این شخصیّت‌ها معطوف داشتند.

کتابشناسی

- باستانی پاریزی، محمّد ابراهیم (۱۳۶۸): *خاتون هفت قلعه*، تهران، روزبهان.
- بهنام، عیسی (۱۳۵۱): «*گرگان مهد تمدّن‌های کهن چه کسانی بودند، از کجا آمدند، کجا رفتند*»، هنر و مردم، ش ۱۱۹ و ۱۲۰، شهریور و مهر.
- *جهانگردی در مازندران*، سازمان برنامه و بودجهٔ استان مازندران، ساری: گروه مطالعات و

۱. ستوده، منوچهر: ص ۳۰۳.

برنامه‌ریزی ۱۳۷۲.

- حجازی کناری، سیّد حسن (۱۳۷۲): *پژوهشی در زمینه نام‌های باستانی مازندران*، تهران، روشنگران.

- دانش‌پژوه، محمّدتقی (۱۳۴۵): «*آستانه‌های مازندران*»، معارف اسلامی، ج ۱، ش ۲، اسفند.

- ستوده، منوچهر (۱۳۴۷): «*بهر نصاب*»، *راهنمای کتاب*، س ۱۱، ش ۶، شهریور.

- صمدی، حبیب‌الله (۱۳۳۹): «*هشت ماه تلاش در پی آثار عهد حجر ایران*»، آموزش و پرورش، ش ۶ و ۷، آبان.

- عسکری، علی‌بابا (۱۳۵۰): *بهشهر (اشرف البلاد)*، بهشهر، شورای جشن‌های شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله.

- کیانی، محمّدیوسف (۱۳۷۰): *شهرهای ایران*، ج ۴، تهران، جهاد دانشگاهی.

- ــــــــ (۱۳۵۳): «*گزارش مقدّماتی کاوش‌های جرجان*»، *گزارش‌های باستان‌شناسی*، ج ۳، ش ۱۶-۱۱، آبان، زیرنظر فیروز باقرزاده، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۴.

- گدار، آندره (۱۳۱۳): «*گرگان و گنبد قابوس (۱)*»، *تعلیم و تربیت*، ش ۱.

- «*گزارشی از تپه‌های باستانی استان‌های گلستان و مازندران*»، روزنامهٔ سلام، چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۷.

- نوروززاده چگینی، ناصر (۱۳۷۰): «*شهرهای مازندران*»، تهران، جهاد دانشگاهی.

- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۵): *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمهٔ عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران.